

به کارگیری عقل و ایمان، پیام همیشگی بعثت

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*

۱- اهمیت پرسش و پاسخ از منظر قرآن و روایات

بعثت یکی از مبارک‌ترین و بزرگ‌ترین رخدادهای عالم وجود و تاریخ بشریت است؛ یعنی یک حادثه معمولی نیست، [بلکه] جزو برترین حوادث تاریخ بشریت است. خب، حوادث بزرگ کارکردهای زیادی در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی دارند، لکن یکی از مهم‌ترین و شاید بشود گفت مهم‌ترین کارکردهای رخدادهای بزرگ عبارت است از ایجاد تحول فکری و ادراکی در مخاطب. آن وقتی یک تحول عظیم و یک حادثه بزرگ خواهد توانست در واقعیت زندگی مردم اثر بگذارد و ماندگار بشود که قادر باشد تحول فکری در مخاطب خود به وجود بیاورد. فکر که درست شد، عمل هم درست خواهد شد؛ عمده این است. نظام زندگی براساس آن اندیشه‌ای و آن فکری است که در اداره‌کنندگان زندگی وجود دارد. اگر تحول فکری و ادراکی و فهم عالم وجود در انسان‌ها و در جوامع به وجود آمد، آن وقت نظام‌های سیاسی، اقتصادی، نظام‌های اخلاقی، نظام‌های اجتماعی براساس آن به وجود خواهد آمد و تشکیل خواهد شد. بعثت پیغمبر اکرم از این جهت برجسته است. [البته] جهات برجستگی بعثت از همه حوادث گوناگون دیگر متعدد است که خب محل بحث ما نیست، اما در همین خصوصیت هم بعثت نبی اکرم فوق‌العاده است: تحوّل که به وجود

*. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز عید مبعث، ۱۴۰۳/۱۱/۹.

آورد؛ با چه کسانی، چه افکاری، چه رفتاری و چه جامعه‌ای مواجه شد و آن‌ها را تبدیل کرد به چه انسان‌هایی، به چه جامعه‌ای، به چه مردمی؛ چه در زمان خود و چه در طول زمان.

خب، عامل این تحول چیست؟ یعنی همه پیغمبران، از جمله پیغمبر عظیم‌الشان اسلام وقتی می‌خواهند این تحول را انجام بدهند، ابزارشان چیست؟ آن عاملی که این تحول را به وجود می‌آورد چیست؟ دو چیز است: «عقل» و «ایمان». عقل یک قوه ویژه‌ای است که خدای متعال در همه انسان‌ها به ودیعت گذاشته که بعضی از انسان‌ها آن را فعال می‌کنند، از آن استفاده می‌کنند، بسیاری هم آن را فعال نمی‌کنند. ایمان هم مثل عقل [است]؛ در فطرت همه انسان‌ها ایمان به حقیقت، ایمان به خدا وجود دارد، [اما] انسان‌ها فراموش می‌کنند. پیغمبران می‌آیند عقل را بیدار می‌کنند، تا انسان را به یاد ایمانش بیندازند. شما ملاحظه کنید در قرآن، «ذکر» - به یاد آوردن - چقدر تکرار شده. این ایمان در من و شما هست؛ باید آن را به یاد ما بیاورند، باید ما را به آن متوجه کنند. وقتی که عقل و ایمان زنده شد، زندگی رشد می‌کند؛ هرکدام کارکردی دارند. آن وقت انسان برخوردار از عقل و ایمان قادر می‌شود که راه زندگی را، صراط مستقیم را پیدا کند و در آن حرکت کند.

در قرآن، حالا مثلاً در مورد عقل، شواهدی قرآنی که بخواهیم عرض بکنیم، ده‌ها بار تکرار شده است: أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۱)، لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)، لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۳)، أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ (۴)، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ (۵)؛ یعنی مسئله عقل، توجه به عقل و به کار بردن عقل در قرآن یک قلم برجسته از تعلیم قرآنی است. هرکسی مسلمان است بداند که سروکارش باید با عقل باشد، با عقل کار کند، از عقل استفاده کند، عقل خودش را رشد بدهد، تربیت کند.

در مورد ایمان هم در دعوت همه انبیا اول‌چیزی که گفته شده است، توحید است. توحید فقط یک اعتقاد ساده به این‌که خدایی هست و واحد است، نیست؛ توحید، شاکله جهان‌بینی اسلامی است. جهان‌بینی اسلامی را از هر طرف که نگاه کنیم به توحید می‌رسیم و همین توحید، شاکله جامعه اسلامی را هم تشکیل می‌دهد؛ لذا شما ملاحظه کنید مثلاً در سوره اعراف، آنجایی که راجع به پیغمبران و دعوت آن‌ها - حضرت نوح، حضرت هود، حضرت صالح و غیره - مطالبی بیان می‌فرماید، اولین حرفشان این است که «یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»؛ توحید. البته در کنار توحید، بحث معاد هم مطرح می‌شود؛ در

همین آیه شریفه: «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (۶)، آن یوم عظیم، قیامت است. یا در سوره شعراء، آنجا هم باز همین جور، اسم پیغمبران یکی یکی آمده، اولین حرفشان این است که «فَأَتُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» (۷)؛ تقوای الهی. اطاعت از پیغمبر هم به خاطر این است که وقتی که خدای متعال پیغمبر را مبعوث کرد، او کمک می کند به عقل انسان برای این که خطا نکند، اشتباه نکند، عوضی نبیند، سراب را آب نپندارد؛ انبیا [کارشان این است]؛ لذا «أَطِيعُوا» هم دنبال این می آید به خاطر همین که [انسان] یک راهنمایی داشته باشد تا کمکش کند.

آن وقت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (۸)؛ خدای متعال پیغمبران را برای این چیزها، برای این هدفها مبعوث فرموده: میثاق فطرت، منسی نعمت، بعد هم برانگیختن دفینه های عقل؛ «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ استخراج کند این دفینه ها را؛ حالا این دفینه به چه معنا است؟ یا به معنای گنج است - که ما دفینه که می گوئیم، معمولاً مرادمان گنج است و آن را اراده می کنیم - یا نه، [به معنای] عقل های دفن شده در زیر خرافات و توهمات و تصورات باطل و حرف های گوناگون و مکتب های گوناگون و غیره [است]. آن حرف حقیقی و حرف درست، آن یک کلمه صحیح «لا اله الا الله» گاهی دفن می شود. آن فهم عقلانی صحیح در زیر این حرف های باطل گاهی دفن می شود، فراموش می شود؛ یکی از این دو معنا مراد آن بزرگوار است. پیغمبران می آیند که عقل را از زیر اینها استخراج کنند، بیرون بیاورند. خوب، این حالا راجع به بعثت.

ما [باید] چه کار کنیم؟ این جور عرض می کنم که به نظر من بعثت یک حادثه دفعی نیست. یک وقت یک برقی می زند و خاموش می شود؛ بعثت این جوری نیست؛ البته چرا، برای منافق این جور است: «ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ»؛ آدمی که از ته دل ایمان ندارد، یک برقی می زند، یک روشنایی ای برایش پیش می آید، بعد در زیر اهواء، هوسها، فراموشکاریها، غفلتها و بقیه عیوبی که دارد خاموش می شود. اما در غیرمنافق، در جریان طبیعی عالم، کل بعثت یک جریان است، یک امر مستمر است؛ مال یک زمان خاص، مال یک روز خاص نیست، مال همیشه است؛ نه فقط بعثت رسول اکرم،

[بلکه] همه انبیا؛ حرف اصولی انبیا [مال] همیشه است. در قرآن کریم به کفار می‌گوید: خب شما که ادعا می‌کنید، یک کتابی بیاورید که از این دو کتاب هدایت‌کننده‌تر باشد (۱۰)؛ «دو کتاب» یعنی یکی قرآن و یکی تورات. ما به انبیا ایمان داریم؛ به همه انبیا ایمان داریم؛ منتها وقتی یک نبی بعدی آمد، حرف نبی قبلی را تکمیل می‌کند، پس [حرف] او منسوخ می‌شود. نسخ به این معنا است: [حرف] او را تکمیل می‌کند، یک چیزهایی‌اش را عوض می‌کند و یک چیزهایی‌اش را برطبق زمان تکمیل می‌کند؛ بنابراین این جریان - جریان دین، جریان بعثت - یک جریان مستمر و همیشگی است.

«همیشگی است» یعنی چه؟ یعنی در همه دوره‌ها می‌شود از برکات بعثت استفاده کرد؛ یعنی همان تحولی که در اول بعثت به وجود آمد و خود نبی مکرم اسلام سینه سپر کرد و آمد وسط میدان و کارها را خودش با آن تلاش غیرقابل توصیف انجام داد، این [تحول] در همه زمان‌ها به تناسب - تناسب انسان‌ها، با تفاوت ما با آن قله عظیم - ممکن است؛ منتها شرطش چیست؟ شرطش این است که آن دو عاملی را که آن بزرگوار در اختیار گرفت و به کار برد، به کار ببریم: یعنی عقل و ایمان. اگر عقل و ایمان را ما به کار بیندازیم، بعثت به وجود می‌آید، تحرک به وجود می‌آید، تحول به وجود می‌آید. تحول در ذهن، تحول در واقعیت زندگی را به وجود می‌آورد؛ مشکلات برطرف می‌شود، اصلاح می‌شود. درسی که باید از بعثت بگیریم این است.

امروز مخاطب این حرف، خود ما دولت‌های مسلمان و ملت‌های مسلمان هستیم؛ همه ما مخاطبیم. باید بدانیم اگر در دنیا چیزی مطالبه می‌کنیم یا امید به لطف الهی در آخرت بسته‌ایم، باید به مفهوم بعثت و مقتضای بعثت و حرکت بعثت متشبث بشویم. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (۱۱)؛ عزت آنجا است. عزت یعنی کسی دارای حالتی باشد که هیچ عامل بیگانه‌ای نتواند بر روی او اثر سوء بگذارد؛ این عزت است. «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (۱۲). نه دشمن، نه عوامل گوناگون فکری، روحی، خارجی، جسمانی، روحانی - همه جور - نمی‌توانند اثر بگذارند وقتی که عزت وجود داشته باشد؛ یا در آیه شریفه [دیگری می‌فرماید]: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱۳)؛ اگر ایمان باشد، شما برترین هستید، بالاترین هستید.

خب، کارکرد عقل را امروز ما در دنیا مشاهده کنیم و عقل را به کار بیندازیم؛ اگر عقل را به کار بیندازیم، می‌توانیم خیلی از مفاهیم عالم را بفهمیم. در دعا [هست که] «اللَّهُمَّ أَعِطْنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَقُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَفَهْمًا فِي خَلْقِكَ» (۱۴)؛ درک واقعیات جامعه بشری؛ این [واقعیات] را درک بکنیم. ما به‌عنوان جمهوری اسلامی، به‌عنوان ایران اسلامی، به‌عنوان مسئولان سیاسی یک کشور بزرگ و مهم - کشور عزیز ما یک کشور واقعاً استثنائی است از جهات گوناگون - باید توجه بکنیم و بفهمیم این حقایق را که در عالم وجود دارد. استعمارِ قدرت‌های ظالم، در درجه اول و در مرحله اول [را باید] از غارت منابع شروع کرد. شما [اگر] بخوانید تاریخ استعمار را، اولین چیزی که این‌ها هدف قرار دادند و دنبال کردند، منابع طبیعی بود؛ در مرحله اول از اینجا شروع کردند؛ این یک مرحله است. مرحله بعدی، تخریب فرهنگ‌های اصیل ملت‌ها بود. داستان تلخی است این داستان؛ یعنی شرح این مطلب از آن چیزهایی است که واقعاً گریه‌آور است که این‌ها چه کردند با ملت‌ها و با تمدن‌ها! در همین آفریقایی که شما ملاحظه می‌کنید، تمدن‌هایی وجود داشته، فرهنگ‌های اصیلی وجود داشته؛ این‌ها آمدند وارد شدند همه چیز را به هم ریختند، همه چیز را خراب کردند، تخریب کردند و در واقع، اینجا هم غارت کردند؛ غارت فرهنگی. در مرحله بعدی، چشم به هویت ملی و دینی ملت‌ها دوختند تا آن را تحت تصرف بگیرند.

ما امروز دچار هر سه مرحله استعماریم. امروز هم دستگاه‌های قدرت زورمند شیطانی عالم، هم به منابع طبیعی کشورها و ملت‌ها چشم دارند و نظر سوء دارند، هم به فرهنگ اصیل آن‌ها، هم به هویت ملی و اسلامی آن‌ها نظر دارند و درصدد تخریب این‌ها، درصدد تصرف این‌ها هستند. البته همه یک‌جور نیستند؛ در رأس این‌ها آمریکا است. امروز آن توصیفی که ما برای استعمار و استکبار می‌کنیم، مصداق اتمش دولت آمریکا است که زیر نفوذ قدرتمندان مالی دنیا است؛ یعنی امروز قدرتمندان درجه یک مالی دنیا بر تعدادی از حکومت‌های غربی - که از جمله آن‌ها و شاید هم بیشترین آن‌ها دولت آمریکا است - مسلط‌اند؛ به تعبیر رایج خودشان، کارتل‌ها و تراست‌ها و امثال این‌ها مسلط‌اند و نقشه هر سه مرحله استعمار را این‌ها دارند می‌کشند. این‌که می‌بینید هر روزی یک سوغات تازه عملی در زمینه‌های بشری، در زمینه‌های جنسی، در زمینه‌های مالی، پی‌درپی بروز می‌کند،

ناشی از این است؛ [یعنی] همین تغییر هویت ملت‌ها، تغییر مصالح ملت‌ها و کشاندن آن‌ها به سمت خودشان.

قرآن توصیف روشنی دارد: [می‌فرماید:] «وَدَّوَا مَا عَنِتُّمْ»؛ هر چیزی که شما را دچار مشکل می‌کند، دشمنان شما، کفار و کسانی که تابع شیطان هستند و شیطانی حرکت می‌کنند، آن را دوست می‌دارند. «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (۱۵)؛ دشمنی در زبان‌شان هم پیدا است؛ حرف هم که می‌زنند، نطق هم که می‌کنند، دشمنی‌شان را نشان می‌دهند؛ حرکت هم که می‌کنند، دشمنی را نشان می‌دهند، اما آنچه در دلشان هست بیشتر است؛ آنچه دشمنی آن‌ها را [ایجاد می‌کند]. گاهی اوقات، در یک مواردی این دشمنی‌ها ظاهر می‌شود؛ یعنی یک جاهایی همان ضمایر خصمانه خبیث در مواردی خودشان را نشان می‌دهند. مثلاً فرض کنید در کنگره آمریکا برای تکه‌تکه شدن هزاران کودک، نمایندگان بلند می‌شوند، برای قاتل کف می‌زنند و تشویقش می‌کنند! این همان «وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» است که اینجا ظاهر می‌شود، اینجا [خودش را] نشان می‌دهد. چندین هزار کودک را تکه‌تکه کنند، بعد بیایند اینجا مورد تشویق قرار بگیرند! یا کاپیتان ناو وینسنس آمریکا بزند یک هواپیمای مسافربری را با حدود سیصد مسافر سرنگون کند و همه سرنشینان را هلاک کند، بعد به او مدال تشویقی بدهند (۱۶). این «ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ» اینجا ظاهر می‌شود، اینجا نشان می‌دهد خودش را. این‌ها همیشه پشت لبخندهای دیپلماسی پنهان است؛ پشت لبخندهای دیپلماسی، این جور دشمنی‌ها، این جور کینه‌ها، این باطن خبیث، پنهان است. چشمانمان را باز کنیم: «وَفَهَّمَا فِي خَلْقِكِ. چشمانمان را باز کنیم؛ «تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» (۱۷) نباشیم. حواسمان باشد که با چه کسی مواجهیم، با چه کسی معامله می‌کنیم، با چه کسی داریم حرف می‌زنیم؛ این را بدانیم. انسان وقتی که طرف خودش را شناخت، ممکن است معامله هم بکند، اما می‌فهمد که چه کار باید بکند. باید بشناسیم، بدانیم.

به نظر من در دوره کنونی ما، این جریان مقاومت، این حرکت مقاومت، یک رشحه‌ای از همان بعثت است. مقاومت که از ایران اسلامی آغاز شد، بیدار کرد ملت‌های مسلمان را؛ بعضی از ملت‌های مسلمان را به صحنه آورد؛ ملت‌های مسلمان را عموماً بیدار کرد و

وجدان‌های بسیاری از غیرمسلمان‌ها را هم بیدار کرد. نظام سلطه شناخته شد، شناسانده شد. بسیاری از ملت‌ها، نظام سلطه را نمی‌شناختند.

شما نگاه کنید به غزه! غزه منطقه محدود کوچک، رژیم صهیونیستی تا دندان مسلح و دارای پشتیبانی کامل آمریکا را به زانو درآورد؛ غزه رژیم صهیونیستی را به زانو درآورد! این شوخی است؟ این همان رشحه‌ای از بعثت است؛ این همان ایمان و عقل است؛ این همان تلاوت آیات قرآن است؛ این دل بستن به خدا است؛ این همان اعتقاد به «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» است. حزب‌الله سرافراز خسارتی در حد فقدان شخصیتی مثل سیدحسن نصرالله می‌بیند؛ این شوخی نیست! ما مگر چند انسان بزرگ در دنیا در قدوقواره سیدحسن نصرالله (رضوان‌الله تعالی علیه) - این شهید بزرگوار - داریم؟ یک چنین شخصیتی از بین حزب‌الله رفت؛ دشمن و دوست خیال می‌کردند حزب‌الله تمام شد؛ حزب‌الله نشان داد که نه فقط تمام نشده، در یک مواردی انگیزه‌اش بیشتر هم شده و توانست در مقابل رژیم صهیونیستی بایستد؛ این همان [رشحه بعثت] است. این مال مسلمان‌ها بود.

در غیرمسلمان‌ها وجدان‌ها تکان خورد. آماری که به من دادند، در حدود ۳۰ هزار تظاهرات ضدصهیونیستی، ۳۰ هزار تظاهرات ضدصهیونیستی در ۶۱۹ شهر جهان در طول این مدت به راه افتاد! مردم بیدار شدند؛ وجدان‌ها بیدار شد؛ این مقاومت است؛ این مقاومت رشحه‌ای از بعثت است. در خود آمریکا عده‌ای جمع شدند - که آمریکایی بودند - گفتند: «مرگ بر آمریکا»؛ در خود آمریکا! این همان تحول ادراکی است؛ این همان چیزی است که انبیای عظام به آن همت گماشتند، و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین نوع آن را رسول مکرم اسلام ﷺ در زمان خود و تا آخر دنیا به وجود آورد و امروز مقاومت هم دارد آن را نشان می‌دهد؛ بنابراین حواسمان به این حقایق باشد و این آیه قرآن را فراموش نکنیم که «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

فهرست منابع

۱. سوره یس، بخشی از آیه ۶۸؛ «... آیا نمی اندیشند؟».
۲. از جمله، سوره بقره، بخشی از آیه ۲۴۲؛ «... باشد که بیندیشید».
۳. از جمله، سوره اعراف، آیه ۱۷۶؛ «... شاید که آنان بیندیشند».
۴. از جمله، سوره نساء، آیه ۸۲؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند...».
۵. سوره ملک، بخشی از آیه ۱۰؛ «و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم...»».
۶. سوره اعراف، بخشی از آیه ۵۹؛ «... ای قوم من! خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی ستروگ بر شما بیمناکم».
۷. سوره شعراء، از جمله آیه ۱۰۸؛ «از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید».
۸. نهج البلاغه، خطبه اول؛ «[پس پیامبران خود را برانگیخت] و یکی پس از دیگری فرستاد تا عهد خداشناسی را که در فطرت آدمی بود باز طلب کنند و نعمت از یاد رفته را باز به یاد آورند و با مدد حجت و برهان، آنان را به راه آورند و گنجینه های دانش پنهانی را برون آرند».
۹. سوره بقره، بخشی از آیه ۱۷؛ «... خدا نورشان را بُرد و در میان تاریکی هایی که نمی بینند رهایشان کرد».
۱۰. سوره قصص، آیه ۴۹؛ «قُلْ فَأَتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَنْتَ عَهُ».
۱۱. سوره فاطر، بخشی از آیه ۱۰؛ «هرکس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آن خدا است...».
۱۲. سوره یونس، بخشی از آیه ۶۵؛ «... عزت، همه از آن خدا است...».
۱۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹؛ «و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید».
۱۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۶.

۱۵. سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۱۸؛ «... آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگ‌تر است...».
۱۶. در دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ هوایمای مسافری جمهوری اسلامی که از بندرعباس عازم دُبی بود، هدف موشک ناو جنگی وینسنس آمریکا در خلیج فارس قرار گرفت و ۲۹۰ مسافر آن - از جمله ۶۶ کودک و ۵۳ زن - شهید شدند. پس از چندی، دولت آمریکا به «ویلیام راجرز»، فرمانده ناو وینسنس، نشان شجاعت اعطا کرد!
۱۷. سوره ممتحنه، بخشی از آیه ۱؛ «... [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید...».

